

شهر هنر

نمایشگاه نقشی بر فرش



● نمایشگاه نقاشی‌های طاهره رهبر با عنوان «نقشی بر فرش» از دهم تا بیست‌وچهارم آبان‌ماه از ساعت ۱۶ تا ۲۰ در گالری فرمانفرما برگزار می‌شود. طاهره رهبر که پیش از این آثارش را در گالری‌های گلستان، هفت ثمر و ... به نمایش گذاشته، در مورد ۱۶ اثر تازه‌اش که ترکیبی از نگارگری ایرانی و رئالیسم است، در بروشور نمایشگاه نوشته: شاخه‌ای، پرندهای و چراغ گردسوز نقشی زده‌اند بر نقش فرش. خاطراتم کاسه مسی مادر بزرگ و شکوفه‌های درخت آلبالو در گوشه حیاط، همه‌وهمه جمع شده‌اند بر روی فرشی که زمین بازی کودکی‌ام بود و اکنون با نوازش قلمی رنگین دوباره جان گرفته‌اند بر بوم.گالری فرمانفرما در خیابان کریمخان زند، خیابان خردمند شمالی، کوچه اعرابی ۲ قرار دارد.

زندانی خیابان نواب

● نمایش «زندانی خیابان نواب» به کارگردانی هوشمند هنرکار در سومین دور اجرا، این بار در تالار خانه موزه استاد انتظامی روی صحنه خواهد رفت. «زندانی خیابان نواب» که براساس نمایش‌نامه «زندانی خیابان دوم» نیل سایمون و با ترجمه شهرام زرگر از سوی هوشمند هنرکار بازنویسی شده، از تاریخ نهم آبان ماه برای سومین سال متوالی اجرا خواهد شد. این نمایش نخستین بار در سال ۱۳۹۶ در خانه نمایش و در سال ۱۳۹۷ در تالار شانوروی صحنه رفته بود. این نمایش که با لحن طنز مسائل روز جامعه را به تصویر می‌کشد، قصه زن و شوهری است که در میانسال‌ی با بحران روبه‌رو می‌شوند. مهدی وثوقی و آریتا نوری‌وفا ایفاگران نقش این زن و شوهر هستند. هر دوی این بازیگران برای بازی در زندانی خیابان نواب در جشن بازیگر سال ۱۳۹۷ نامزد دریافت جایزه شده بودند. هوشمند هنرکار دیگر بازیگر این نمایش است. سیما سامانی طراح لباس، آرین فسایی آهنگ‌ساز، ابراهیم حسینی و نوا ابوالقاسم عکاسان، سهیلا غلیپور طراح پوستر و بروشور و محمدرضا حزینی دستیار کارگردان، برخی از دست‌اندرکاران این نمایش هستند. نمایش «زندانی خیابان نواب» هر شب ساعت ۱۹:۳۰ از نهم آبان ماه در تالار خانه موزه انتظامی واقع در قطریه روی صحنه می‌رود.



مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده سال ۱۳۹۸ موسسه مالکین آکام شهر (غیرانتفاعی) ثبت شده به شماره ۷ و شناسه ملی ۱۶۹۰۰۱۷۶۰۰۰ در اداره ثبت شرکت‌های شهرستان نور

با سلام و احترام

مالک محترم عضو موسسین مالکین آکام شهر ، نظر به اینکه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده نوبت اول در تاریخ ۱۶/۰۸/۱۳۹۸ ساعت ۴ بعدازظهر روز پنجشنبه جهت عملکرد سال ۹۷ بر اساس ماده ۱۷ اساسنامه تشکیل می‌گردد، خواهشمند است در جلسه فوق‌الذکر شرکت نموده و یا وکیل و نماینده خود را با توجه به ماده ۲۱ اصلاحیه اساسنامه و تبصره ۳ و ۶ ماده مذکور معرفی فرمائید.(هروکیل فقط می‌تواند ۲ موکل داشته باشد و می‌بایستی اصل وکالتنامه ارائه شود) ضمنا به اطلاع می‌رساند جلسه با حضور ۵۰٪+۱ رسمیت خواهد یافت، در صورت نرسیدن به حدنصاب تاریخ و محل جلسه نوبت دوم متعاقباً اعلام خواهد شد. قابل ذکر است به همراه داشتن کارت ملی الزامیست.

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره

۲- استماع گزارش بازرس

۳- تصویب ترازنامه و عملکرد مالی منتهی ۲۹/۱۲/۱۳۹۷

۴- انتخاب بازرس

۵- تعیین روزنامه کثیرالانتشار موسسه

آدرس محل برگزاری جلسه:

کافی شاپ ساحلی مجموعه آکام شهر واقع در آکام شهر

مازندران- ایزدشهر- شهرک آکام شهر

تلفن ۰۱۱۴۴۵۷۱۲۸۲- کدپستی۴۶۴۱۳۹۵۵۵۵

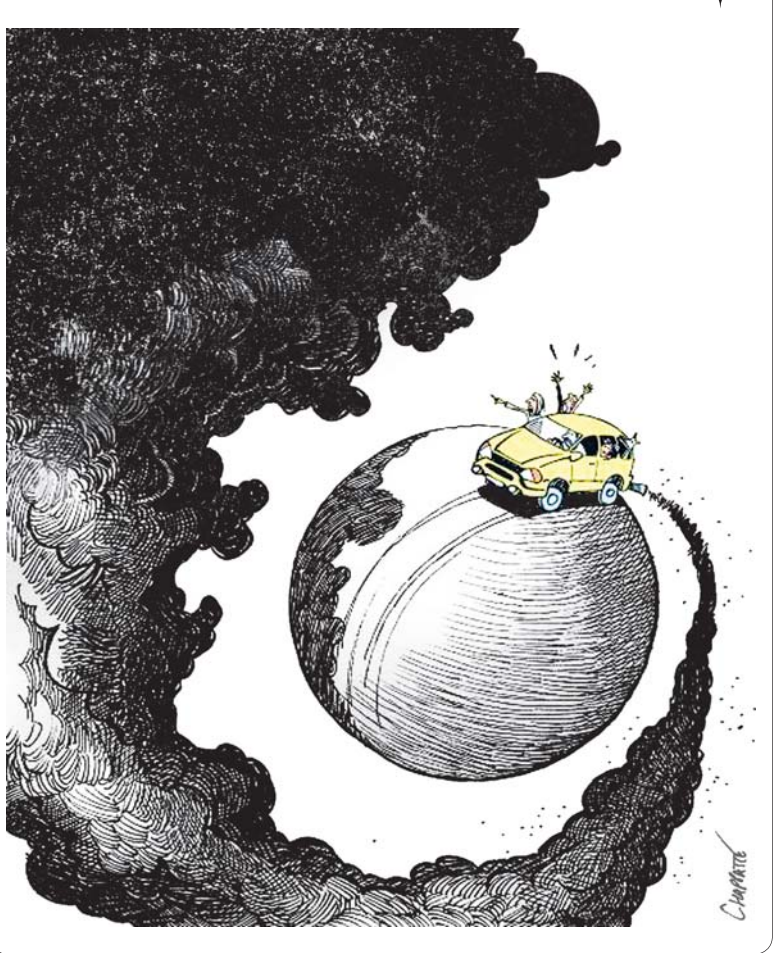
شترخوار روزنامه

چهارشنبه ۸ آبان ۱۳۹۸
۱ ربيع‌الاول ۱۴۴۱
۳۰ اکتبر ۲۰۱۹
سال هفدهم
شماره ۳۵۶۰
۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸
اذان مغرب ۱۷:۳۰
اذان صبح فردا ۵:۰۰
طلوع آفتاب ۶:۲۵

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

پاتریک چاپات



دعوت نامه نوبت اول

مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده سال ۱۳۹۸

موسسه مالکین آکام شهر (غیرانتفاعی) ثبت شده به شماره ۷

و شناسه ملی ۱۶۹۰۰۱۷۶۰۰۰

در اداره ثبت شرکت‌های شهرستان نور

تحلیل-۱

تلویزیون می‌توانست به حل مشکل کمک کند

این‌گونه را از رسانه ملی دنبال کنند. هر مطلبی با این روش از حالت یک‌طرفه و دیکته‌شده بیرون می‌آید.

شاید زمانی که هیچ رسانه جایگزینی وجود نداشت، نگاه جاری در تلویزیون که همواره مسائل را از دیدگاه یکسویه‌ای به نمایش می‌گذارد، جواب می‌داد و هر چیزی از همین رسانه پذیرفته می‌شد؛ اما اکنون با وجود شبکه‌های ماهواره‌ای، فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی، هر موضوع واحدی می‌تواند از ابعاد مختلف و در بسیاری از مواقع متفاوت با آنچه از تلویزیون پخش می‌شود، مطرح شود.

بنابراین کمتر می‌شود به‌راحتی مردم را نسبت به بیان هر نکته‌ای راضی نگه داشت. باین‌حال، اگر مسائل به‌درستی بیان شود، این حرکت به‌تدریج با تغییر رویه و نگاه رسانه ملی به مسائل و نحوه اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی متناسب با مخاطب آگاه امروز، می‌تواند مخاطب گریخته را برگرداند و این خود برای ایجاد همبستگی و انسجام اجتماعی لازم است. مردم باید به رسانه رسمی و داخلی اعتماد کنند و در این اعتمادسازی، خود رسانه مهم‌ترین نقش را دارد. رسانه ملی باید در سیاست‌های کلی خود تجدید نظر کرده و شیوه‌های مقبول‌تری برای اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی اتخاذ کند و نگذارد همچنان مخاطبش ریزش کند که این مهم در طول زمان ممکن خواهد شد.

اما در شرایط فعلی که اعتماد مردم به دلیل روش‌های نامناسب رسانه ملی به آن کم است، عملاً آنها به سمت فضاهای رسانه‌ای جایگزین مانند تلویزیون‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی گرایش پیدا می‌کنند. درعین‌حال مردم به همین فضاهای جایگزین نیز به دلیل اختلاط میان اخبار واقعی و جعلی در آنها، چندان اعتماد ندارند و این فضا بیشتر موجب سردرگمی آنها می‌شود و به لحاظ روحی آسیب‌پذیر می‌شوند. مردم به‌ناچار با شک و تردید همه اخبار را دنبال می‌کنند؛ چون به‌رحال می‌خواهند درست و غلط اخبار را بفهمند. تلویزیون می‌تواند و باید با تغییر رویه، درباره هر نوع خبر و مسئله‌ای این اعتماد را جلب کند؛ چون مردم پیامد هر خبری را دنبال می‌کنند و تا کشف حقیقت، دنبال آن خواهند بود.

در مسئله ایدز نیز که موضوع مورد بحث ما در این یادداشت است، تلویزیون می‌تواند نقش آموزشی مهمی داشته باشد و این بیماری را برای مخاطبان تشریح کند تا به اندازه‌ای که امروز هست، برای مردم وحشت‌افزا نباشد.

در جست‌وجوی آرامش

انتخاب حامی

آرامش‌بخشیدن به آنان این بود که «به درگاه خدا دعا کنید و صبور باشید. شما یک روز حامی خود را پیدا می‌کنید». از نظر این کودکان پیداکردن حامی مالی به این معنا بود که کسی آنها را می‌بیند و آنها را دوست دارد. ما بزرگ‌ترها هم مانند آنها معتقدیم حتی هنگامی که از عشق خدا مطمئن باشیم، انتخاب‌شدن و دیده‌شدن، احساس خشنودی بسیاری به دنبال دارد.

به همین خاطر بود که همکاران این مؤسسه به این نتیجه رسیدند که به بچه‌ها فرصتی دهند که حامیان مالی خود را انتخاب کنند؛ کاری که قبلاً انجام نشده است.

این‌گونه بود که در محل یک کلیسا در نزدیکی شیکاگو تعدادی از کسانی که می‌خواستند حامی مالی باشند دورهم جمع شدند، عکس گرفتند و مبلغی را که حاضرند ماهانه به کودکی اهدا کنند اعلام کردند. به قول مسئول این پروژه: «این‌بار به‌جای اینکه فقط آرزو کنیم و امیدوار باشیم و منتظر یک حامی برای انتخاب آنها باشیم... می‌خواهیم [بچه‌ها] را توانمند کنیم تا این انتخاب را انجام دهند».

او به جماعت مشتاقان گفت: «چه شما اینجا در شیکاگو زندگی کنید و چه در مالی، کنیا یا سودان و سومالی زندگی کنید، همه افراد می‌خواهند انتخاب شوند. شما می‌خواهید دیده شوید. شما می‌خواهید دوست داشته شوید. شما می‌خواهید به شما یادآوری شود که شایسته عشق هستید. تک‌تک افراد می‌خواهند انتخاب شوند». کریسم، ۲۹ ساله، هفت سال است که از یک کودک حمایت مالی می‌کند، درحالی‌که شغل کم‌درآمدی دارد و برایش گذشتن از ۴۰ دلار فداکاری بزرگی است، اما معتقد است حامی بودن با توجه به گذرآبودن بسیاری از روابط مدرن، نشان از تعهد بلندمدت است؛ یک کار معنوی و جلادهنده روح.



دکتر اعظم راودراد

استاد ارتباطات

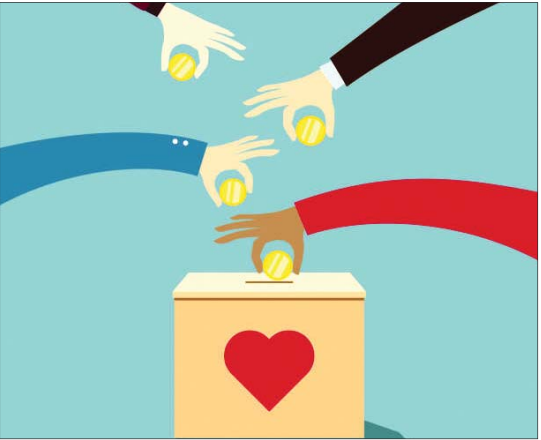
تلویزیون به‌عنوان رسانه ملی و به دلیل جذب مخاطبان فراگیر در چهار گوشه ایران، بیشتر از هر رسانه‌ای می‌تواند در هدایت رخدادی مانند مسئله ایدز در لردگان به سمت حل مسئله، تأثیرگذار باشد؛ اما این مهم اتفاق نمی‌افتد و این اتفاق‌نفتادن دلایلی دارد:

اول اینکه در سال‌های طولانی و به دلیل سوگیری‌ها و یک‌جانبه‌نگری‌های تلویزیون در مسائل مختلف رخ‌داده در جامعه، فاصله‌ای بین مردم و این رسانه ملی افتاده و در اصطلاح باعث سلب اعتماد عمومی از آن شده است. برای اینکه تلویزیون بتواند در مسائل اجتماعی مؤثر باشد و به حل آنها در حد خودش کمک کند، لازم است بیش از هر چیزی به سمت اعتمادسازی برود. در این صورت، موفق خواهد شد مردم را متوجه حقایق کند که از این رسانه پخش می‌شوند.

دوم اینکه تلویزیون می‌تواند ضمن پخش اخبار و برنامه‌های تحلیلی و تفسیری درباره رخداد لردگان، برای آگاهی مردم نیز برنامه بسازد. به این ترتیب که همه حرف‌هایی را که از سوی گروه‌های مختلف دراین‌باره زده شده است، از زبان کارشناسان بیان کند و از سوی کارشناسان دیگر به آنها پاسخ دهد؛ اگر واقعاً پاسخی وجود دارد. نه اینکه حرف‌های وزیر و وکیل را پخش کند که صرفاً همدیگر را در این موضوع متهم می‌کنند.

درحالی‌که در این مقطع، مهم یافتن مقصر نیست، بلکه مهم آماده‌سازی مردم برای حفظ آرامش و نحوه مواجهه با این مسئله است تا بتوان از بحران عبور کرد. باید در این برنامه‌های تحلیلی، صحبت‌های موافق و مخالف پخش شود تا مردم بدانند همه نظرها گفته می‌شود و به رسانه اعتماد کنند. اگر این اتفاق نیفتد، دنبال منابع بیگانه می‌روند و سعی می‌کنند از آنجا حقیقت مسئله خود را بیابند.

کار شبکه خبر تلویزیون همین است که به تضارب آرا برای مواجهه بهتر با مسئله پیش‌آمده درباره ایدز در لردگان میدان بدهد و برنامه‌های تحلیلی را در این زمینه تولید و پخش کند. این‌گونه بهتر می‌توان به نتایج درست‌تر و حقایق موجود دست یافت. چنین رفتاری می‌تواند زمینه‌ساز بازگشت همان اعتماد ازدست‌رفته شود و مردم نیز می‌توانند با استدلال و منطق، مسائل



شاید مدتی طولانی؛ مثلاً یک یا دو سال کسی به سراغ حمایت از آنان نمی‌رفت. «آیا من انتخاب می‌شوم؟»، «اگر کسی من را انتخاب نکند، چه می‌شود»، همه پرسش‌ها و نگرانی‌هایی بود که کودکان با آن مواجه می‌شدند.

اما این سازمان باسابقه امسال راهکار دیگری را در پیش گرفت. برای اولین‌بار، قدرت انتخاب یک حامی در دست کودک قرار می‌گرفت. کودکان بدون حامی، بچه‌هایی مانند نیندای هفت‌ساله یا ونفرد ۱۴ ساله عمیقاً خود را در این مسئله مقصر می‌دانستند و جوابی نداشتند که چرا هیچ‌کس آنها را انتخاب نمی‌کند یا چه مشکلی دارند که مورد بی‌توجهی حامیان قرار می‌گیرند.

هرچند راهکار یکی از افراد این مؤسسه برای

خیابان

سکوت سفید



کوروش سلیمانی

بازیگر و کارگردان

خیابان/داخلي/اتوبوس بی‌آرتی:

● با توجه به انتخاب بهترین مسیر و مناسب‌ترین وسیله تردد، من باید هر روز از حوالی ونک تا میدان ولیعصر یا بی‌آرتی برای رسیدن به تمرین نمایش‌مان بروم... در «سکوت سفید»، ما قرار است درباره آرامش سلب‌شده از بشر امروز _ بشر دوران مدرن _ حرف بزنیم و اینکه چقدر ما انسان‌های این دوران به آرامش، حوزه شخصی و آزادی هم احترام می‌گذاریم... و حالا این سفرهای کوتاه با بی‌آرتی نه فقط برای من در طراحی و میزانشن نمایش بسیار الهام‌بخش شده، در عین حال، مرا برای به‌صحنه‌آوردن یک نمایش و شکل‌دادن به «دیالوگی» با مخاطب دراین‌باره مصمم‌تر کرده است...

تماشای مردم خسته از کار و مشغله روزانه با نگاه‌های سرگردان به یکدیگر، به صفحه گوشی و به پنجره‌ها که درختان، مغازه‌ها و تابلوها به‌سرعت از میان آنها می‌گذرند، مردمی که برخی روی صندلی‌ها نشسته و بسیاری سرپا و تکیه‌داده به دیواره اتوبوس یا آویزان از حلقه‌های نگهدارنده، ایستایی خود را به‌سختی کنترل می‌کنند، دنیایی از داستان و ماجرا را خود دارد... جای تنگ ایستادن، احترام یا بی‌احترامی آدم‌ها به یکدیگر، فشاردادن‌ها موقع سوار و پیاده‌شدن، نگاه‌های مزاحم به گوشی‌های یکدیگر، بوهای مختلفی که گاه آزاردهنده است و با کمی نظافت و رعایت می‌تواند رفع شود و... همه اینها مرا بیشتر متوجه موضوع نمایش‌مان می‌کنند...

راستی ما چقدر به آرامش یکدیگر احترام می‌گذاریم؟ آیا با خود هرگز فکر کرده‌ایم جامعه بی‌توجه به آزادی و آرامش انسانی چقدر می‌تواند تحمل‌ناپذیر باشد؟ آیا به این موضوع که ما در قبال راحتی یکدیگر چقدر مسئول هستیم، فکر می‌کنیم؟ اساساً در لابه‌لای مسائل و درگیری‌ها و مشغله‌های متنوع و گاه دشوار روزانه آیا به این دست موضوعات هم باید اندیشید؟ آیا می‌دانیم فراهم‌کردن فضایی همراه با احترام برای دیگران وظیفه اجتماعی ماست و ما باید برای اینکه خود نیز از جامعه‌ای امن و راحت بهره‌مند باشیم، برای رسیدن به این وضعیت تلاش کنیم؟

من غالباً سوار بر اتوبوس بی‌آرتی همگانی که مرا به سمت تمرین می‌برد، به این مسائل فکر می‌کنم... و هنگام خیره‌شدن به چهره‌های خسته مردم، در خیال شیرین خود به شهری می‌اندیشم که مردم در خیابان‌ها در مواجهه و مکالمه با یکدیگر در خیابان حتما لبخند می‌زنند. فروشنده، امین خریدار است. مردمان هنگام تصادف خشمگین نشده و ناسزا نمی‌گویند. در خیابان، فروشگاه، اتوبوس و مترو جوان‌ترها به سالمندان، مردان به زنان و بزرگ‌سالان به



کودکان احترام می‌گذارند. کسی به جای دیگری، به سهم دیگری و به حق دیگری چشم طمع ندارد. همه به حق خود قانع هستند و با کینه و حسرت به داشته‌های هم نگاه نمی‌کنند. شهری که در خیابان‌های آن هراس دزدیده‌شدن کیف و کوله و موبایل وجود ندارد یا به‌سختی ممکن است... شهری با خیابان‌های امن و زیبا که مردم با لبخند در آن قدم می‌زنند. خیابان‌هایی که روشن و شاد هستند؛ همان‌گونه که خانه‌های مردمانش باید باشند...

می‌دانم و می‌دانیم بسیاری از دلایل و زمینه‌های رسیدن به این «وضعیت درست» و هم‌زیستی مهربانانه دست ما نیست و از سوی مدیریت‌های کلان شهری، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باید به آنها اندیشیده شود اما من یقین دارم برای رسیدن به آن «روزهای خوب» وظایفی بر عهده یگانگ ما نیز هست که در جای خود

بسیار اثرگذار و مهم هستند...

هر وقت که ذهنم مشغول این فکرهاست، اتوبوس زود به مقصد می‌رسد... سعی می‌کنم سریع اما بدون تنه‌زدن به دیگران پیاده شوم و بعد می‌روم تا با دوستان هنرمندم ساعاتی نمایش‌مان «سکوت سفید» مان را تمرین کنیم؛ نمایشی که امیدوارم وظیفه‌اش را در قبال مردم، در قبال شهروندان درست انجام دهم...

پن: یادمان باشد استفاده از واژه‌های: ممنونم، بفرمایید، خواهش می‌کنم، ببخشید و حتی یک لبخند در سکوت در تعاملات روزانه ما هیچ خرجی ندارد اما همین‌ها هم می‌تواند روز بهتری برای ما در خیابان‌های شهر بسازد. گاهی همین واژه‌ها معجزه می‌کنند...